

مصاحبه‌شونده: آقای دکتر میر جلیل رضوی

مصاحبه‌کننده: سیدمصطفی هاشمی

تاریخ مصاحبه: ۸۴/۲/۱۹

دانشکده: مهندسی شیمی

سال ورود: ۱۳۴۸

جناب آقای دکتر برای اولین سؤال لطفاً بیوگرافی خود را از ابتدا بیان کنید.

دیپلم دبیرستان، لیسانس و فوق لیسانس را در آمریکا گرفتم و دکترا و فوق دکتری را در انگلیس گذراندم و در رشته مهندسی شیمی در سال ۱۳۴۸ هم به استخدام دانشگاه صنعتی شریف در آمدم. (در آن موقع مسئله بسیار جالبی که من داشتم یکی از دوستان من در لندن داشت دکتری متالورژی می‌خواند و هنوز هم درس اش تمام نشده بود، آمده بود پیش آقای دکتر امین برای ملاقات و در آن موقع دکتر امین هم رفته بودند لندن. برای استخدام این دوستان به من نیز گفتند شما هم بیا برویم ولی من گفتم الان نمی‌آیم چون نامه داشتم از انرژی اتمی انگلیس که بروم آنجا در قسمت انتقال حرارت کار بکنم البته قسمت غیر محرمانه آنجا، بدلیل آنکه ما خارجی بودیم ولی ایشان اصرار کردند که بیا برویم من رفتم با دکتر امین صحبت کردم و ایشان نیز صحبت کردند و چون دوست من هنوز خیلی کارشان مانده بود تمام شود ما برخلاف اینکه هنوز می‌توانستیم آنجا بمانیم کار بکنیم و تجربه بگیریم آقای دکتر امین از لحاظ مدیریتی خیلی قوی بودند ما را جذب کردند.) در سال ۱۳۴۸ که ما آمدم، دانشکده مهندسی شیمی وجود نداشت ما فقط دانشکده شیمی داشتیم که چند تا اتاق در ساختمان فیزیک آن موقع بود و رئیس قسمت مهندسی شیمی دکتر فیض بودند، معاون ایشان دکتر ابراهیمی بودند و من نفر سوم دکتری بودم و دستیارها و مربیان ما آقایان مهندس سیف کردی و مهندس آقاچان و مرحوم مهندس شاه کامرانی بودند. سوله ای در جوار همین دانشکده هست شروع کردیم به ساختن آنجا، همگی دنبال بنا، نجار، لوله کش می‌رفتیم و دست به دست هم دادیم تا سوله ساخته شده و در اواخر سال ۱۳۴۹ آنجا منتقل شدیم تمام امکانات آنجا از قبیل بویلر و تمام کولرها در اختیار خودمان بود بطوریکه در آنجا سرما و گرما احساس نمی‌کردیم. (نه مثل الان که ما اینجا خیس عرق می‌شویم!) در آن موقع شروع کردیم به استخدام افراد از جمله آقایان دکتر معتمدی، دکتر خرمی، دکتر علیمددیان و دکتر گودرزنیا و برای پرسنل آینده مان شاگرد اول هایمان را نیز جذب می‌کردیم و با موافقت ریاست دانشگاه وقت - آقای دکتر امین - می‌فرستادیم برای طی دوره دکتری نفر اول آن موقع دکتر سلطانیه بودند که اکنون از اساتید دانشکده هستند. خوشبختانه اکثر فارغ

التحصیلان مان بسیار دانشجویان زرننگ و خیلی خوبی بودند. هر کدامشان را که می فرستادیم برای ادامه تحصیل موفق بودند و دانشگاه‌هایی که برای تحصیل می رفتند نیز از آنها راضی بودند و خوب این افتخار یک معلم است که دانشجویش موفق باشد عین یک درخت که می کاریم و این درخت می تواند میوه بسیار خوب بدهد و یا نه اصلاً میوه ای نداشته باشد.

آیا شما در زمان دکتر مجتهدی در دانشگاه حضور داشتید؟

بعد از رفتن دکتر مجتهدی و شروع به کار آقای دکتر امین من به دانشگاه آمدم. بعلت نداشتن پرسنل هیئت علمی، آقای دکتر امین برای استخدام پرسنل به خارج از کشور سفر کرده بودند آن افرادی که فارغ التحصیل شده بودند زیاد دوست نداشتند که سریع به کشور برگردند بلکه می خواستند زمانی بعد از فارغ التحصیلی در خارج بمانند تا تجربه بیشتری کسب کنند بعد بیایند ایران و جذب صنعت و یا غیره بشوند. در آن زمان خوشبختانه جاذبه دانشگاه شریف طوری بود به گفته آقای دکتر امین در حالی حقوق پنج هزار تومان را به اساتید دانشگاه می دادند که حقوق دریافتی وزیر آن زمان دو هزار و هفتصد تومان بوده است. البته علاوه بر دریافت ماهی پنج هزار تومان مرتب هر سال ارتقاء و پایه می دادند و حقوق های ما قبل از انقلاب به ماهی سه هزار دلار رسیده بود. ولی در حال حاضر حقوق ما ۷۰۰ دلار هم نمی شود و قابل قیاس با قبل نیست ولی چون عاشق این رشته هستم و علاقه خاصی به این رشته دارم ادامه می دهم. یادم هست بعد از چند سال کار در دانشگاه دکتر فیض گفتند می خواهند بروند در بخش صنعت و آنجا فعالیت کنند، گفتند می خواهند بروند رئیس پالایشگاه نفت پارس بشوند. در آن زمان که به ما حقوق ده هزار تومان با مزایا و غیره می دادند آنجا حقوقی در حدود ۳۵ هزار تومان با ماشین و راننده و منشی خصوصی می دادند و این از مزایای فعالیت در بخش صنعت بود و آن موقع برخلاف الان که فارغ التحصیل زیاد است هر جا می خواستیم برویم زود ما را جذب کار می کردند و جداً اساتید آن موقع که در دانشگاه می ماندند فقط و فقط به خاطر علاقه شان بود و هیچ توجهی به مادیات نداشتند.

بازگو کردن خاطرات

وقتی که وارد دانشگاه شدم بسیار جوان و پر انرژی بودم و دوست داشتم سر موقع کلاس تشکیل شود و سر موقع کلاس تمام شود و مرتب هم امتحان می گرفتم و اگر دانشجویی هم خوب امتحانش را نمی داد، جوان بودیم و دوست داشتیم دانشجو را تویخ کنیم. دانشجویان همبستگی خوبی داشتند یک بار دانشجویی را بعلت بی انضباط از کلاس اخراج کردم وقتی ادامه دادم به درس دادن دیدم که دانشجویان یکی یکی دارند کلاس را ترک می کنند ولی من تا پایان در کلاس ماندم و به درس دادن ادامه دادم حتی وقتی که کلاس کاملاً از دانشجویان خالی شد. ولی بعد تک تک دانشجویان آمدند و عذرخواهی کردند.

نقش دانشگاه در قبل از انقلاب در فضای سیاسی و اجتماعی کشور را چگونه می‌دیدید و چگونه ارزیابی می‌کنید؟

در آن زمان تشکل‌های سیاسی وجود نداشت و خود من هم وارد سیاست نمی‌شدم و من نه در دوران دانشجویی و در هیچ دوره دیگری وارد سیاست و کارهای سیاسی نشدم و هیچ علاقه‌ای به این کارها نداشتم و به نظر من کسی که مشغول انجام کارهای تحقیقاتی و علمی است دیگر وقتی برای انجام اینگونه فعالیت‌ها ندارد.

از فعالیت‌های فوق برنامه و گروه‌های ورزشی چه خاطراتی دارید؟

بچه‌ها را اردو می‌بردیم مثلاً اوشان فشم که در آن موقع زیاد شلوغ نبود. غذایی درست می‌کردند و بعضی‌ها خودشان غذا می‌آوردند و در کل رابطه استاد با دانشجو بسیار گرم بود. الان هم همینطور است و رابطه استاد و دانشجو خیلی خوب است. استاد باید در بیرون از کلاس با دانشجو دوست باشد. چون دانشجو وارد یک محیط جدید شده است و ما اساتید بعنوان راهنما باید تجربیات گذشته خود را آرام آرام به این دانشجویان منتقل کنیم. در آن زمان ما هفته‌ای یک روز با دانشجویان در سالن ورزشی والیبال بازی می‌کردیم ولی الان متأسفانه رابطه ورزشی بین استاد و دانشجو کم شده است و دلیلش هم شاید مشغله زیاد اساتید باشد. مثلاً برای رفت و آمد به دانشگاه از منزل ۲ الی ۳ ساعت باید در راه باشیم تا به دانشگاه برسیم و این وقت کمی نیست. بطور مثال منزل شخصی من در قلهک است در گذشته حداکثر ۱۵ دقیقه طول می‌کشید تا من به دانشگاه برسم، نه آلودگی هوا داشتیم و نه تهران به این شلوغی بود.

چه عواملی باعث ماندگاری این دانشگاه در این سطح بالای علمی شده است؟

علت پیشرفت یک دانشگاه از سه قسمت تشکیل می‌شود: ۱- استاد ۲- دانشجو ۳- تجهیزات. خوشبختانه در این دانشگاه از لحاظ دانشجو ما بهترین دانشجویان را داریم دانشجویان المپیادی، نخبگان کشور و ... از لحاظ اساتید نیز خوشبختانه اکثراً بهترین فارغ‌التحصیلان خودمان که برای ادامه تحصیل به خارج رفته‌اند دوباره برگشته و در دانشگاه مشغول به تدریس شده‌اند. از لحاظ تجهیزات هم باید گفت به صورت نسبی بد نیست ولی در حد کاملاً مطلوب نیست و بودجه‌ای را که برای تجهیزات در نظر می‌گیرند بسیار کم و ناچیز است و مسأله دیگری هم که قبلاً وجود داشت این بود که شما اگر مقاله‌ای را در کنفرانس ارائه می‌دادید و با اساتید اهل فن آشنا می‌شدید و تماس می‌گرفتید از پیشرفت علمهای جدید آگاه می‌شدید اما متأسفانه الان اینها وجود ندارد. بطور مثال من قبل از عید در یک کنگره بین‌المللی در کویت در مورد نفت و گاز یک مقاله داشتم که بعنوان سخنرانی پذیرفته شده بود دانشگاه گفتند خودت هزینه کن سال دیگر اگر شد هزینه را پس می‌

دهیم. حدوداً اواسط اسفند رفتیم کنگره و همه کارها انجام شد اما هنوز حکم مأموریت به دست من نرسیده و حتی یک ریال نیز به دست من نرسیده است من می خواهم بدانم مگر یک استاد دانشگاه چقدر حقوق می گیرد که باید تمام این هزینه را باید از جیب خودش بدهد؟ به نظر من دولت باید روی کنفرانس های بین المللی بیشتر هزینه کند و باید در این بخش حتی وزارت علوم نیز هزینه و سرمایه گذاری کند.

ارتباط شما با هم دوره هایتان چگونه است؟

وقتی برگشتم ایران، هم دوره های دانشگاهمان، مخصوصاً همدوره های آمریکا، هفته ای یکبار دور هم جمع می شدیم، بعد کم کم شد ماهی یکدفعه، بعد هر چند یکبار و الان که بعلت مشغله فراوان و بعلت خارج رفتن عده ای از دوستان تقریباً خیلی کم شده است و بعضی از دوستان را من سالی یکی و دوبار می بینیم.

پیشنهاد شما در مورد برگزاری چهلمین سال تأسیس دانشگاه؟

به نظر من کمی به افراد قدیمی بها بدهند بهتر است بعنوان یک قدیمی و سازنده این دانشگاه این درخواست را دارم کمی به استادان قدیمی در این دانشگاه توجه بیشتری می شود. در قدیم وقتی می خواستیم برویم دفتر ریاست دانشگاه صبر می کردیم وقتی ارباب رجوع از اتاق خارج می شد ما داخل اتاق رئیس می شدیم و این راحتی نزدیکی و همدلی ها بود که باعث شد این دانشگاه اینقدر سریع پیشرفت کند.

تمام استادان قدیمی این دانشگاه برای هرچه بهتر شدن این دانشگاه زحمت کشیده اند تا جایی این دانشگاه پیشرفت کرد که آمریکایی ها برای دانشگاه های خود می آمدند و فارغ التحصیلان شریف را انتخاب می کردند و برای ادامه تحصیل به خارج از کشور می بردند و من با این نظر مخالفم که ما بیایم و استادان نمونه شریف را انتخاب کنیم زیرا من معتقدم تمام اساتید که در زمان قدیم در این دانشگاه مشغول بودند و الان نیز به خدمت مشغول هستند همه نمونه هستند در سال ۴۹ - ۴۸ من فکر می کنم تمام اساتید این دانشگاه ۴۰ نفر هم نمی شدند و حالا اگر هم ۴۵ نفر شدند شما هر ۴۵ نفر را بعنوان استاد نمونه انتخاب کنید.